

# اربیین مختص شیعیان نیست برای انسانیت است

گفت وگوبا عکاس اسپانیایی که ۲ سال پیش در پیاده روی اربیین حضور یافته و چندین بار در ماه های محرم به ایران سفر کرده است

نرگس عزیزی   روزنامه نگار	
<span></span>	
پرونده	<p>بسیاری از افرادی که تجربه شرکت در پیاده روی اربیین را داشته اند، این روزها به شدت دل‌تنگ و در حال مرور خاطرات خود هستند. فردا روز اربیین است و به همین مناسبت هم در زندگی سلام تصمیم گرفتیم تعدادی از عکس های گرفته شده از این مراسم را با شما مرور کنیم اما برای این کار سراغ عکاسی رفته ایم که از جهاتی شرایط متفاوتی با بسیاری از ما دارد. او ایرانی نیست، شیعه نیست، مسلمان نیست و خلاصه در ظاهر به نظر نمی رسد دلیل موجهی برای علاقه مند شدنش به اربیین و پیاده روی اربیین وجود داشته باشد. اما داستان «مانولو اسپالیو»، داستانی خاص است. عکاسی مسیحی اسپانیایی که به دلیل عشق به ایران بارها برای انجام پروژه های مختلف به کشورمان سفر کرده و طی نشست و برخاست ها با مردم ایران، از پیاده روی اربیین شنیده است. «مانولو» دو سال قبل برای اولین بار برای پیاده روی اربیین به عراق رفته است. حالا و عکس هایی دیدنی و داستان هایی شنیدنی از این مراسم دارد. در پرونده امروز زندگی سلام در کنار گفت وگوبا «مانولو» و مروری بر عکس هایی از پیاده روی اربیین و عزاداری های محرمی، می توانید در خصوص پروژه «سفر به ایران» و هم اطلاعاتی به دست بیاورید. «مانولو» تا به امروز چندین نمايشگاه عکس در کشور های مختلف با همین موضوع داشته و بخشی از عکس های او از ایران هم در قالب یک کتاب منتشر شده است.</p>

## «مانولو اسپالیو» کیست؟

عکاس اسپانیایی مانولو اسپالیو، متولد ۱۹۷۰ است. از حدود ۲۰ سالگی علاقه مند به عکاسی شده است و تا به امروز توانسته جوایزی در این زمینه کسب کند. تخصص اصلی مانولو عکاسی از بناها و به ویژه بناها و اماکن تاریخی است. او که خودش را عکاسی عاشق ایران معرفی

این عکاس اسپانیایی که به کشور های زیادی سفر کرده، پیاده روی اربیین را یک مراسم خارق العاده و استثنایی می داند که مردمانی از همه کشور های دنیا در آن شرکت می کنند و به این نتیجه می رسند که هنوز انسانیت نمرده است. در ادامه پاسخ های جالب و خواندنی «مانولو اسپالیو» را به سوالات ما خواهید خواند.
شاید ذکر است توضیح کنار هر عکس توسط خود عکاس نوشته شده است.



دختر بچه عراقی در حال تعارف کردن آب به زائران در مسیر کربلا

🔴 **مراسم اربیین در رسانه های غربی چندان شناخته شده نیست. می خواهیم ببینیم شما از کجا با این مراسم آشنا شدید و چه چیزی باعث شد تا تصمیم به شرکت در آن بگیرید؟**

بله، در دست است. مراسم اربیین در رسانه های غربی چندان شناخته شده نیست. این موضوع هم به خاطر این است که هر چیزی که به نوعی به ایران مربوط باشد در رسانه های غربی دچار سوگیری است؛ غالباً آن را نادیده می گیرند یا گاهی اوقات به شکلی تحریف شده آن را به نمایش می گذارند. من به عنوان عکاس، ۹ سال روی مراسم محرم کار کرده بودم و البته چند سال قبل هم این فرصت را داشتم تا یک دوره تابستانی کوتاه مدت در باره تشیع در دانشگاه جامعه المصطفی (ع) قم بگذرانم. همکالسی هایم در آن دوره به من درباره اربیین و



یکی از واقعیت های تکان دهنده در باره مراسم اربیین جمعیتی شامل هزاران نفر است که بدون چشمداشت به زائران خدمت رسانی می کنند. عکسی از دو پرستار در حال رسیدگی به پای آسیب دیده دوزائر

می کند، تا به حال سفر های متعددی به ایران داشته و پروژه های عکاسی

زیادی را در ایران انجام داده است. از جمله پروژه «به نام حسین (ع)» شامل عکاسی از آیین های ماه محرم در شهر های مختلف، «مغرب» عکاسی از خیابان ها و کوچه های شهر یزد به وقت غروب آفتاب، «مسکن

## امام حسین(ع) راهنمای زندگی همه است

«مانولو اسپالیو» به سوالات ما درباره دلایلش برای رفتن به پیاده روی اربیین، خاطراتش از آن جا و عکاسی از مراسم عزاداری در ایران پاسخ می دهد

همه این کارها را متفاوتی می کرد این بود که ظاهر این کارها نه توسط دولت عراق یا ایران که توسط نیروهای مردمی انجام می شد. آن جا همسایه ها و مجاوران بودند که به زائران کمک می کردند. نکته جالب دیگر این بود که در این پیاده روی شما می توانستید مردمانی از هر کجای دنیا پیدا کنید. درست است که بیشتر جمعیت متعلق به کشور هایی است که بیشترشان شیعه هستند مانند ایران، عراق و لبنان اما هم زمان شما افرادی از کشورهای اروپایی و آفریقا هم می دیدید. یکی از خاص ترین لحظات این سفر زمانی بود که ما «بوفرات» را در خانه اش در نزدیکی رودخانه فرات دیدیم. زمانی که از او پرسیدیم بعد از این که مراسم اربیین تمام می شود، چه اتفاقی می افتد؟ او ناگهان شروع به گریه کرد و به ما گفت که آن وقت باید یک سال دیگر صبر کند تا دوباره بتواند از زائران در خانه اش پذیرایی کند.

با بوفرات درباره بی رحمی های صدام با شیعیانی که می خواستند به زیارت امام حسین(ع) بروند، حرف زد م. آن دیدار صحبت ها و فوق العاده بود و باعث شد دید بهتری در خصوص معنای اربیین و جایگاه آن پیدا کنم، البته برای من زیارت حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس(ع) خاص ترین بخش سفرم بود.

🔴 **در یکی از پست های اینستاگرامی خود تان (نوامبر ۲۰۱۸) نوشته اید: «امام حسین (ع) به شدت برای ما آشناست، چرا که شباهت زیادی با مسیح (ع) دارد.» می شود درباره این جمله بیشتر توضیح بدهید.**

من فکر می کنم شخصیت امام حسین (ع) شباهت هایی با برداشت مسیحیان و حتی مسلمانان در باره حضرت مسیح(ع) دارد. هر دوی آن ها نمادی برای انسانیت هستند، هر دوی آن ها رنج زیادی را متحمل شدند و «ترسیم گر» مسیری بودند که انسان باید طی کند. البته در این بین تفاوت هایی بین برداشت مسلمانان از مسیح در مقایسه با مسیحیان وجود دارد اما در عین حال هر دوی ما (مسلمانان و مسیحیان) باور داریم که امام حسین(ع) و مسیح(ع) راهنمای مادر زندگی هستند و ما باید اعتقاد آن ها درباره عدالت و مبارزه آن ها با ظلم و سرکوب را دنبال کنیم. این که آن ها نمایندگان و نمونه واقعی آن چیزی



برادران «هیئت هنر» در حال عزاداری، «روز اربیین در کربلا

هستند که هر انسانی باید باشد. 🔴 **عکس های شما از ایران و عراق برخلاف تصاویری که بعضاً در رسانه های غربی می بینیم، منفی نیست. دلیل این تفاوت چیست؟**

پاسخ به این سوال ساده است؛ من هیچ هدف یا برنامه پنهانی مشابه آن چه بسیاری از رسانه های غربی دارند، ندارم. این موضوع به ویژه زمانی که بحث مراسم مذهبی در ماه محرم است، خودش را نشان می دهد. شما کافی است واژه «عاشورا» (به زبان انگلیسی) را برای جست و جو در اینترنت بنویسد تا تصاویری را ببینید که تمرکز آن ها روی خون (اشاره به قمه زنی) است. کاری که تنها توسط اقلیتی انجام می شود. هر کسی که برای عاشورا در ایران بوده باشد، می داند که از چنین سنتی این جا خبر چندان نیست. در واقع می دانید بین مراسم محرم و مراسمی که در کشورهای کاتولیک جنوب اروپا و آمریکای لاتین بر گزار می شود، شباهت های زیادی وجود دارد. حتی سیلوا هم ۴۰۰ سال قبل وقتی در اصفهان شاهد مراسم عاشورا بود، متوجه این شباهت ها شد و به آن اشاره کرده است. او معتقد بود که بین «هفته مقدس کاتولیک ها» و محرم شیعیان ارتباطی وجود دارد. حتی شریعتی هم درباره این شباهت ها صحبت هایی داشته است. من هم دنبال مستندسازی شباهت بین مراسم مسیحیان و شیعیان هستم. راستش فکر می کنم این روزها افراد زیادی هستند که تلاش می کنند تا با

تمرکز بر تفاوت مسیحیان و مسلمانان، بین ما فاصله بیشتری ایجاد کنند. در حالی که من فکر می کنم بهتر است که به نقاط مشترک خودمان توجه کنیم. امری که من در اربیین هم تجربه کردم. در پیاده روی اربیین بسیاری از زائران به من گفتند که این مراسم مختص شیعیان نیست، بلکه برای انسانیت است و در این مراسم از مسیحیان هم به خوبی استقبال می شود؛ چیزی که من هم شخصاً آن را تجربه کردم.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹  
۱۹ صفر ۱۴۴۲ • ۱۷ اکتبر ۲۰۲۰  
شماره ۲۰۴۹۴

۱۷۱۴



این نخل گر دانی از محموعه «به نام حسین (ع)»

### سفرم به ایران، بهترین سفر در طول عمرم بوده است

توضیحات این عکاس اسپانیایی درباره جزئیات و دلایل سفر های متعددش به ایران

«سفر به ایران» عنوان پروژه عکاسی است که حدود شش سال پیش یعنی سال ۲۰۱۴ وقتی در قم در حال تحصیل بودم، آن را آغاز کردم. به عنوان فردی که عاشق ایران است، من درباره تاریخ ایران زیاد می خواندم و دریکی از موارد من با شخصیت «گراسیا د سیلوا فیگوئروا» آشنا شدم. سیلوا سفیر اسپانیا در بارشاه عباس صفوی بود و به درخواست شاه فیلیپ سوم به ایران آمد. شاه فیلیپ تمایل به برقراری روابط دوستانه با ایران داشت تا بتواند متحدی در برابر پادشاه عثمانی برای خودش دست و پا کند. علاوه بر آن، در این زمان پرتغال و اسپانیا تحت فرمان یک پادشاه بودند و شاه فیلیپ می خواست از شاه عباس درخواست کند تا برای صد سال دیگر اجازه حضور پرتغالی ها در جزیره هرمز را هم صادر کند. هر چند سیلوا در سفرش نتوانست به هیچ کدام از این اهداف دست پیدا کند اما در عوض او سفرنامه ای نوشت که در آن با دقت به توصیف ایران در قرن هفدهم میلادی پرداخته و در آن فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب، سیاست، معماری و جنبه های دیگر ایران در آن زمان را توصیف کرده است.

سال ۲۰۱۷، چهار صدمین سالگرد حضور دوساله سیلوا در ایران بود. من در این سال با حمایت مالی دولت اسپانیا توانستم از جزیره هرمز تا قزوین سفر و در این سفر تلاش کنم تا پا جای پای سیلوا بگذارم. طی این ۴۰۰ سال، نام بسیاری از شهرها تغییر کرده بود و در نتیجه رمزگشایی از مسیر سفر سیلوا دشوار بود اما خوشبختانه من موفق شدم. این کار البته به مدد توصیف های دقیق سیلوا میسر شد. این توصیف ها آن قدر دقیق هستند که حتی با گذشت چند قرن من توانستم برخی مکان ها را با کمک همین توصیف ها پیدا کنم. از طرفی شخصیت سیلوا هم جالب است. او آدم بسیار باهوشی بوده که با تاریخ، جغرافیا، زیست شناسی، حقوق و... آشنا بوده است. در واقع سیلوا اولین نفری بود که فهمید تخت جمشید یا چهل منار همان چیزی است که یونانیان به آن پرسپولیس می گویند. تا پیش از آن، این طور تصور می شد که پرسپولیس نزدیک بابل در عراق است. از طرفی سیلوا اولین نفری است که فهمید علایمی که روی بناهای جا مانده از دوران هخامنشی دیده می شود، سیستم نوشتاری آن زمان یا همان خط میخی است. باید بگویم که این سفر، بهترین سفر در تمام طول عمرم بوده است. در این سفر توانستم خودرو کرایه و طی یک ماه و نیم شش هزار کیلومتر از جنوب تا شمال ایران سفر کنم؛ سفری فوق العاده. راستش من حتی با یک تلویزیون ایرانی برای ساخت مستندی از سفر مسیر سیلوا مذاکراتی داشتیم، هر چند در نهایت این صحبت ها به نتیجه نرسید.



زائران در حال جابه جایی علم نزدیک ببل مدیترت تهران از مجموعه «به نام حسین (ع)»